

معاون اداره کل فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه در گفت‌وگو با قدس تشریح کرد

نقش بقاع متبرکه در پیوند فرهنگ و خانواده

۲

یادداشت حجت الاسلام خسروپناه درباره اثر چند رسانه‌ای «فصل شیدایی»

نمایش فاخر و حکیمانه

اجرای نمایش میدانی و چندرسانه‌ای «فصل شیدایی» که در اصل کاری از مرکز هنرهای نمایشی انقلاب اسلامی (مهنا) بود از مدت‌ها پیش در استان‌های مختلف کشور آغاز شده و تاکنون علاقه‌مندان در خوزستان، یزد، لرستان، بوشهر، ابوموسی، چهارمحال و بختیاری، فارس و... به تماشای آن نشست‌ه‌اند. این اثر هنری، ترکیبی از فیلم، تئاتر و جلوه‌های صوتی و بصری است که از آن با عنوان «سینمایش» نیز یاد می‌کنند و هر گاه تماشاجی در محیط نمایش قرار می‌گیرد، از چهار جهت جلوه‌های صوتی و تصویری او را احاطه می‌کند.

از حدود ۱۵ روز پیش نیز بیست و یکمین دوره اجرای «فصل شیدایی» به همت سازمان هنری رسانه‌ای اوج و به کارگردانی...



منبرمجازی

توفیق توبه



مرحوم حجت‌الاسلام مهندس | ما به خاطر ظرفیت کم خودمان و تنگ‌نظری که در روابطمان حاکم است، مثلاً اگر خواسته و کاری داشته باشیم و شما انجام ندهید، از دست شما گلایه می‌کنیم... ولی رابطه خدا با بندگان این طور نیست. اگر ما خلافی مرتکب شدیم و بعد برگشتیم و عذرخواهی کردیم، همین که از کارمان پشیمان شدیم گناه به حساب ما نوشته نمی‌شود. در برخی روایت‌ها داریم که اگر گناهی را بنده مرتکب شد، من بلافاصله آن را ثبت نمی‌کنم تا راه بازگشت باشد.

پیامبران و اولیاءالله هم با کسانی که گناه می‌کردند خوب برخورد می‌کردند و رفتارشان به ما فرق می‌کرده است... وقتی خدا خودش به انسان می‌گوید: بدی را با نیکی پاسخ بده، خودش این کار را نمی‌کند؟ یادمان باشد اگر ما موفق به توبه می‌شویم، نشانه این است که اول خدا به ما توفیق توبه را داده و بعد ما توبه کرده‌ایم. اول عنایت او شامل حال ما شده و بعد ما احساس کردیم که این کار اشتباه بوده و توبه کردیم.

یعنی توبه هم توفیقی از جانب خداست. البته خدا به هر کس این توفیق را نمی‌دهد ... از این نگاه ما نباید بگوییم که خدایا من توبه کردم، تو قبول کن بلکه باید بگوییم خدا از تو تشکر می‌کنیم که توفیق توبه را به ما دادی و به من اجازه دادی که برگردم.

وقتی که ما پشیمان هستیم و توبه کرده‌ایم و دیگر نمی‌خواهیم گناه را تکرار کنیم پس نگرانی ما از چیست؟ خیلی‌ها سؤال می‌کنند که ما توبه کرده‌ایم و خدا هم قبول می‌کند ولی سنگینی بار گناه که بر دوش ماست را چکار کنیم؟ این احساسی که در من پیدا شده را چکار کنیم؟ این دو حالت دارد؛ یک حالت توبه است، این را مطمئن باشید که وقتی خدا وعده داده، خلاف وعده عمل نمی‌کند. توبه را پذیرفته به شرطی که پشیمان شده باشیم و دیگر نخواهیم که آن گناه را تکرار کنیم. اتفاقاً این احساس شرمندگی لطف خداست.

اگر انسان خلافی مرتکب شده و این احساس شرمندگی را داشته باشد دیگر دنبال آن خلاف نمی‌رود ولی اگر آن احساس شرمندگی از بین برود ممکن است که باز به طرف آن خلاف برود. پس همین احساس شرمندگی مانع از آن می‌شود که به دنبال خلاف برود. این احساس قشنگی است که انسان در مقابل مولای خودش خجالت بکشد و ادب را نشان بدهد.

درباره زندگی و زمانه آیت‌الله شیخ مرتضی آشتیانی، عالم مبارز و مدفون در حرم رضوی

۵۰ سال ایستادگی در برابر زورگویی و ستمگری

■ عالم و معلمی عالی‌قدر

پدر شیخ مرتضی آشتیانی یعنی میرزاحسن آشتیانی از شاگردان میرّز شیخ مرتضی انصاری بود. شیخ مرتضی آشتیانی افزون بر فراگیری علوم دینی نزد پدر و در واقع تلمّذ غیرمستقیم در محضر درس شیخ انصاری، از دانش بزرگانی همچون آخوند خراسانی و میرزاحبیب رشتی هم بهره برده و فلسفه و حکمت را نزد حکیم نامدار شیخ عبدالحسین صالحی فرا گرفته بود. شیخ مرتضی بیانی فصیح و نگاهی منتقدانه و تحلیلی به مباحث علمی داشت و از این نظر به عنوان یک استاد توانمند و محبوب طلاب شهرت داشت. برخی از این طلاب مانند استاد جلال‌الدین همایی در تهران محضر شیخ مرتضی آشتیانی را درک و از او اجازه روایت گرفتند و گروهی دیگر نیز مانند آیت‌الله سیدمصطفی خوانساری در مشهد از

کچ‌روی‌های وی را برشمرد.

شیخ مرتضی از مخالفان مهم و جدی پروژه متحدالشکل کردن لباس بود و آن را مقدمه‌ای برای دین‌زدایی می‌دانست.

او پس از تبعید شهید مدرس به خواف، نامه‌ای تند برای رضاخان نوشت و خواستار آزادی او شد اما وقتی حکومت توجهی به این اعتراض نکرد، شخصاً به حمایت از شهید مدرس پرداخت و از هیچ کمکی برای تأمین آسایش وی در تبعیدگاهش فروگذار نکرد. شیخ مرتضی چنان‌که اشاره شد، در جریان قیام مسجد گوهرشاد، به حمایت از اقدام حاج‌آقا حسین قمی پرداخت؛ منزل شیخ در مشهد در کنار منزل آیت‌الله سیدیونس اردبیلی، یکی از دو قرارگاه مدیریت قیام بود. رژیم پهلوی پس از قتل‌عام مردم در مسجد گوهرشاد، بسیاری از علما را بازداشت کرد و به تبعید فرستاد.



درس شیخ مرتضی بهره‌مند شدند. با این حال، محفل پررونق درس آیت‌الله آشتیانی در مشهد به معنای ترک فعالیت‌های سیاسی نبود و او در این شهر مقدس نیز همواره حضوری قدرتمندانه در این گونه فعالیت‌ها داشت.

■ مبارزه با رضاخان

شیخ مرتضی از همان روزهای نخست قدرت گرفتن رضاخان، با کارهای او مخالف بود. در جریان غائله جمهوری‌خواهی پهلوی، شیخ مرتضی دست به افشاگری گسترده‌ای زد و ماهیت اقدام رضاخان را برای مردم برملا کرد.

او پس از منتفی شدن برقراری جمهوری، در نامه‌ای به رضاخان، وی را به باد انتقاد گرفت و شجاعانه

محمدحسین نیکبخت |

رویدادهای مهم تاریخ معاصر ایران، از انقلاب مشروطه تا دوره مبارزه با دیکتاتوری رضاخان، پیوندی ناگسستنی با نام آیت‌الله شیخ مرتضی آشتیانی دارد. او را باید عالمی سیاسی و اهل مقاومت بدانیم که تحت هیچ شرایطی، از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی نکرد و در راه مبارزه با استبداد و دیکتاتوری، رنج‌ها کشید و تبعیدها تحمل کرد. شیخ مرتضی آشتیانی در دوران زندگی حدوداً ۸۵ ساله خود، در تهران، نجف، کربلا و مشهد روزگار گذراند و در هیچ کدام از این شهرها، وظایف سیاسی و مبارزاتی خود را از یاد نبرد. او سرانجام در آبان سال ۱۳۲۵ درگذشت و پیکرش پس از تشییعی باشکوه، در رواق دارالسعاده حرم رضوی به خاک سپرده شد. شیخ مرتضی آشتیانی یکی از فعالان قیام مسجد گوهرشاد بود؛ یکی از علمای بزرگ مشهد که در دفاع از ساحت مرجعیت و اعتراض به رویکردهای ضددینی و ضدملی رضاخان، از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. شیخ مرتضی آشتیانی از دوستان نزدیک شهید آیت‌الله سیدحسن مدرس و از فعالان بسیار نامدار جنبش مشروطه به شمار می‌آمد. در رواق امروز می‌خواهیم درباره این عالم نامدار مدفون در حرم ثامن‌النجیع(ع) به اجمال اطلاعاتی را در اختیار شما خوبان قرار دهیم.

■ **مجتهد مشروطه‌خواه**

شیخ مرتضی آشتیانی در سال ۱۲۴۲شمسی در تهران به دنیا آمد؛ جایی که پدرش، آیت‌الله میرزا حسن آشتیانی، مجتهد معروف و نماینده میرزای بزرگ شیرازی به عنوان عالم برجسته پایتخت، مورد اعتماد و محل مراجعه عموم مردم بود. میرزاحسن آشتیانی در جریان نهضت تنباکو، نقشی محوری و مهم ایفا کرد و از افرادی به شمار می‌آمد که میرزای شیرازی به آن‌ها اعتماد داشت و برای لغو حکم تحریم، منتظر گزارش آن‌ها ماند. شیخ مرتضی آشتیانی از همان دوران جوانی به فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی ورود پیدا کرد و آن را بخشی از مسئولیت شرعی خود می‌دانست. در جریان نهضت مشروطه، شیخ مرتضی یکی از اصلی‌ترین علمی فعال در این نهضت بود؛ او در حالی که حدود ۴۲سال داشت، در کنار علمای بزرگی مانند آیات شیخ فضل‌الله نوری، سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی در مهاجرت صغری و کبری، برای اعتراض رسمی به رویکردهای مستبدانه دربار قاجار شرکت کرد. عین‌الدوله، حاکم وقت تهران و مظهر حکومت استبدادی، بنای آزار و اذیت شیخ مرتضی را گذاشت و کوشید با تحت فشار قرار دادن او، اسباب جدایی‌اش از صفوف مشروطه‌خواهان را فراهم کند؛ شیخ مرتضی آشتیانی همه آزارها را به جان خرید اما تن به سازش نداد. او با پیروزی مشروطیت، در زمره مخالفان نفوذ غرب‌گرایان در این نهضت ایرانی و اسلامی قرار گرفت. شیخ پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، دیگر در تهران نماند و به مشهد مهاجرت کرد؛ هجرتی که سبب رونق حوزه علمیه این شهر مقدس و تشکیل حلقه بزرگی از شاگردان مستعد در اطراف او شد.



نیمکت‌زندگی

تّه چاه



رقیبه توسلی | عادتش دستمان است. می‌دانیم به هر چیزی که راضی‌اش نکند و باب طبعش نباشد و اذیتش کند می‌گوید: بُنجل. فرقی نمی‌کند ساعت، مکان،

خرید، موقعیت، آدم باشد یا هر چیز دیگری. بنجل برایش ته احساسات ناخوشایند است. کلمه‌ای که همیشه به آن پناه می‌برد. مثلاً خیلی زیاد از او شنیدیم؛ چه بعدازظهر بنجلی! چه بیسکویت بنجلی! چه عکس بنجلی! چه سؤال و مانتو و ترجمه بنجلی....

جلسه امروز انجام نمی‌شود. دلیلش دیر آمدن خانم مدیر است. به محض ورود تماس می‌گیرد بروم دفترش. درباره پروژه جدید می‌پرسد اما مثل همیشه نیست و ایده‌ای نمی‌دهد. از زمان‌بندی ترجمه می‌گویم و نکات اختصاصی را مطرح می‌کنم و روتین می‌روم جلو. چند مورد نقد هم می‌چسبانم تنگش اما توی اتاق انگار جز خودم هیچ کسی نیست. هیچ گوشی نیست. بعد نیم ساعت جو طوریمست که ادامه نمی‌دهم.

سه چهار دقیقه بعد به خودش می‌آید و می‌پرسد؛ توضیحات تمام شد؟

تا می‌خواهم حرفی برزنم موبایلش زنگ می‌خورد. برمی دارد. از آنچه که بود گیج‌تر می‌شود. یک لاله‌الاله می‌گوید و جواب نمی‌دهد.

سکوت را می‌گذارم کنار و می‌پرسم: چیزی شده؟ چرا این قدر به هم ریخته‌اید؟ دلش حسابی پُر است چون چکشی خبر را اعلام می‌کند. می‌گوید: هیچی عزیزم! چاهی کندم که حالا ایستادم تهش. هشت ماه پیش ضامن شدم. سه روزه هر چی تماس می‌گیرم از رفیقم خبری نیست. پریروز از حسابم برداشت کردند، مبلغ اقساط کم نیست اما اشکالی ندارد. متأسفانه رقم وام بالااست. باید قبل ضمانت با همسرم قضیه را در میان می‌گذاشتم. گند زدم. شاید فکر می‌کردم رفیقم، بنجل نیست. به هر حال از دوستان مشترکمان که پیگیر شدم فهمیدم اوضاع مالی‌اش خراب است. کلی قرض و قوله و بدهی بالا آورده و فعلاً رفته که رفته. خیط بزرگی کردم.

تلفنش دوباره زنگ می‌خورد. گوشی را می‌گیرد ستمم و می‌گوید: طفلک برادرم، روی قول و کمک من حساب کرده برای خرید ماشین. از صبح کلی زنگ و پیام داده. نمی‌دانم چطوری خبردارش کنم که برنامه‌هاش نییچه تو هم. می‌خواهم از دفتر بیایم بیرون که جلو در، جمله‌ای می‌گوید دُرّ ناب. از آن‌ها که درخشان و قیمتی‌ست و باید سریع آویزه گوش کرد. خانم مدیر می‌گوید: این طور که من فهمیدم دوست و دشمن هر کسی خودش است. بُنجل‌ها بهانه‌اند! **پی‌نوشت:** خداوند صادقان را به خاطر صدقشان پاداش می‌دهد. سوره احزاب / ۲۴



ویژه فرهنگ و معارف رضوی | سال دوم | ویژه نامه ۲۶۲ |

تکنه‌ها/ آیت‌الله مصباح یزدی

حب دنیا اساس همه فتنه‌ها



۲

دیر سومین جشنواره نمایش نامه‌نویسی «گلدسته‌ها» در گفت‌وگو با قدس مطرح کرد

پویاسازی تئاتر مسجد با محوریت نمایش‌های امام رضایی

۳

معاون مرکز رسیدگی به امور مساجد خبر داد مسجدها آماده برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی می‌شوند

۲

اطلاعیه سازمان حج و زیارت برای سفر حج تمتع ۱۴۰۲

۳